

سخن امام خمینی:

حضرت امام معتقدند که مشتق حقیقت در متلبس است و تنها دلیل در این مورد را تبادر بر می شمارند. ایشان می نویسند:

«إذا عرفت ما ذكر، أتضح لك الأمر من كون المشتق حقيقة في المتلبس، مع أن التبادر هو الدليل الوحيد في مثل المقام الذي يكون البحث فيه لغويًا لا عقليًا، وهو يساعد [على] المتلبس به لا الأعم. و صحة السلب ترجع إليه كما تقدم، وكذا ما يقال من تضاد الصفات المأخوذة من المبادئ المتضادة على ما ارتكز لها من المعاني، فإنه لو لا التبادر لما كان بينها تضاد ارتكازا.»^۱

توضیح :

۱. تنها دلیل در حوزة وضع - که امری لغوی است و نه عقلی - تبادر است و تبادر با وضع برای متلبس مساعد است و نه با وضع برای اعم.
 ۲. اما صحت سلب: گفتیم که بازگشت آن به تبادر است.
 ۳. و اما تضاد هم اگر تبادر در میان نباشد، تضادی در میان نیست.
- دو دلیل دیگر بر وضع برای متلبس و نقد امام خمینی بر آن:
- حضرت امام سپس به دو دلیل دیگر که در آنها استدلال عقلی شده است، اشاره کرده و آنها را نقد می کند. ایشان می نویسند:

«و قد يستدل بوجه عقليّة: من أن الحمل و الجرى لا بد له من خصوصيّة، و إلاّ لزم حمل كل شيء على كل شيء، و هي نفس المبادئ القائمة بالذوات، و لا يمكن الحمل على الفاعد المنقضى عنه المبدأ، فلا بد للقاتل بالأعم؛ إما إنكار الخصوصية في الجرى، و هو خلاف الضرورة، أو دعوى بقاء الخصوصية بعد الانقضاء، و ليس بعده شيء إلاّ بعض العناوين الانتزاعية. هذا.»^۲

توضیح :

۱. برای اینکه یک شیء را بر یک شیء دیگر حمل کنیم باید بین آنها خصوصیتی باشد - و الا هر چیز بر هر چیز قابل حمل است.
۲. این خصوصیت - که باعث می شود عالم بر زید حمل شود - عبارت است از علم که بر زید قائم شده است (در زید موجود شده است). پس زیدی که این صفت در او قائم نیست را نمی توان برای عالم موضوع قرار داد.

۱. مناهج الوصول، ج ۱ ص ۲۱۳

۲. مناهج الوصول، ج ۱ ص ۲۱۴



۳. پس قائل به اعم یا باید قائل به «عدم نیاز به خصوصیت» شود که حرف غلطی است و یا بگوید که خصوصیت بعد از انقضاء هم باقی است. در حالیکه می دانیم بعد از انقضاء خصوصیت باقی نیست بلکه آنچه باقی است یک عنوان انتزاعی است.

۴. [یعنی بعد از انقضاء صرفاً می شود گفت: زید الآن دارای صفت «قبلاً عالم بوده» است. و روشن است که «قبلاً عالم بوده» از نسبت زید با علم در گذشته انتزاع می شود.]
ایشان سپس جواب می دهند:

«و فيه: أن هذا الوجه إن رجع إلى التبادر فوجیه، بأن يقال: إن المشتقَّ يتبادر منه المتلبس بالفعل، و إلاّ فالحمل و الجری متأخران عما هو محلّ البحث، فلو وضع اللفظ لمعنی أعمّ یكون الحمل صحیحاً بعد الانقضاء علی فرض تصویر الجامع.»^۱

توضیح :

۱. اگر این سخن به تبادر معنای متلبس از مشتق بازگردد، حرف درستی است؛
۲. و الا «حمل» متأخر از وضع است و اگر لفظ برای معنای اعم وضع شده بود، حمل هم صحیح بود.
۳. البته وضع برای اعم در صورتی صحیح است که بتوانیم برای «اعم» جامع تصویر کنیم [که امام می فرمودند، نمی شود]

